

کرد. از او خواست که یک بهانه موجه پیدا کند تا به خواهرزاده اش یک گوشی تلفن همراه هدیه دهد: یک گوشی تاشوی موتورولا آلفا. این فرض وجود داشت [که اگر این گوشی به حماد هدیه داده شود] بالاخره روزی عیاش هم از آن استفاده خواهد کرد. به کمال گفتند «یه فرستنده کوچیک توی گوشی کار گذاشتیم. این طوری می تونستیم تماس ها رو بشنویم.» [در مقابل انجام این کار] به کمال بسته ای از مزایا داده شده بود که به او امکان می داد خودش و خانواده اش بعد از عملیات به آمریکا نقل مکان کنند.

البته بالاسری های کمال در شین بت داشتند به او دروغ می گفتند. به جای فرستنده، ۱۵ گرم مواد منفجره داخل گوشی کار گذاشته شده بود که چاشنی اش از راه دور فعال می شد. در روز ۲۸ اکتبر [۶ آبان ۱۳۷۴]، دو روز پس از قتل شقاقی، عیاش برای دیدن حماد به خانه او آمد. حماد هم تلفن همراه جدیدش را به او داد و از اتاق بیرون رفت و فرمانده را تنها گذاشت تا تماس هایش را بگیرد. توانمندی های فناوری شین بت در آن زمان بسیار ناچیز بود و به همین دلیل، یک هواپیمای ویژه نیروی هوایی باید [در آسمان منطقه می چرخید] تا سیگنال های ارسالی از گوشی را دریافت کند. آن هواپیما، صوت مکالمات را به مقر منطقه جنوبی شین بت ارسال می کرد و در آنجا یک نیروی رصدکننده متخصص که با صدای عیاش آشنایی داشت آن را می شنید. وقتی او هویت «مهندس» را تأیید کرد، سیگنال فعال شدن بمب را ارسال کرد.

رصدکننده، هدفون رو از روی گوشش برداشت تا صدای کرکننده انفجاری که قرار بود تا لحظاتی دیگر رخ دهد را نشنود؛ ولی به جای انفجار، گفتگوی [عیاش] ادامه پیدا کرد، انگار اصلاً چیزی نشده بود. دوباره سیگنال [انفجار] ارسال شد، ولی عیاش همچنان داشت به صحبت ادامه می داد. دیکتر می گوید: «یه بار دکمه رو فشار بده، دو بار دکمه رو فشار بده. [هیچ] آب از آب تکون نخورد.»^{۱۴} بمب کوچک، کار نکرده بود، ولی حداقل [این شانس را داشت که] لو هم نرفته بود. کمال مدتی بعد به خواهرزاده اش گفت که مشکلی در پرداخت صورت حساب گوشی به وجود آمده و گوشی را چند روزی لازم دارد. آزمایشگاه شین بت مشکل را حل کرد و گوشی دوباره به حماد برگردانده شد و همه منتظر برگشتن عیاش نشستند.

[...]

عیاش هنوز زنده بود و شیمون پرز که جاشین رابین در سمت نخست وزیر و وزارت دفاع شده بود [باز هم] برگه قرمز «مهندس» را امضا کرد. کارمی گیلون رئیس شین بت، تصمیم گرفت بلافاصله بعد از ترور رابین استعفا ندهد، بلکه تا وقتی که عیاش نابود نشده به کار خود ادامه دهد تا دوره او در آینده کلاً به عنوان یک دوران شرم آور شکست تلقی نشود.